

Autumn and Winter 2024, 1 (2), 176-190.

Analysis of the environmental situation of Shiite society during the era of Imam Sadeqin with emphasis on political, social and cultural components

Ebrahim Masoumi¹ 

1. Corresponding Author, Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Kashan University, KASHAN, IRAN. E-mail: masoumi6228@gmail.com

Article Info

Article type:
Research

Article history:

Received: 6 August 2024
Accepted: 21 October 2024
Published online: 3 February 2025

Keywords:

Environmental analysis, Shiite society, Imam Sadiq, Imam Baqir, Strength and weakness, Opportunity and threat, Political component, Social component, Cultural componen

ABSTRACT

At the end of the Umayyad rule, due to the conflict with opposing forces, especially the Abbasids, and the focus on suppressing them, Imam Muhammad Baqir and Imam Jafar Sadiq (peace be upon them) found the opportunity to present the forgotten religious teachings of the era of the Prophet of Islam to the people. This period of Shiite life was a very sensitive period, because the starting point of many uprisings was set at this time and led to the emergence of Shiite uprisings in the following years. Understanding the situation of the Shiites requires examining various political, social, and cultural aspects. The present article, using a descriptive-analytical method and based on library resources, examines its findings in the form of four environmental patterns: strength (formation of the scientific school, geography of Shiism, existence of a single leader, and cultural status of Shiite society) and weakness (economic status of Shiites, political and social status of Shiites, Shiite divisions, Shiite occupations, disagreements in the identity of the Imam, and untimely uprisings) internally, and opportunity (disagreement between the Umayyads, conflict between the Umayyads and the Abbasids, uprising against the government of the time, the Abbasid struggle against the Umayyads, and lifting the ban on hadith) and threat (political intellectual trends of the era of Imam Baqir and Imam Sadiq (peace be upon them), the performance of the governments of the time, the ban on writing hadith, and fabricated hadiths) externally.

Cite this article: Masoumi, Ebrahim, Initial. (2024). Analysis of the environmental situation of Shiite society during the era of Imam Sadeqin with emphasis on political, social and cultural components. *New Researches in the Studies of the History of Islam and Iran*, 1 (2), 176-190.



© The Author(s).

Publisher: Lorestan University.

DOI: <http://doi.org/10.22034/nrihs.2025.2049739.1025>

سال اول، شماره اول (پیاپی ۲)، پاییز و زمستان ۱۴۰۳، ۱۷۶-۱۹۰.

تحلیل وضعیت محیطی جامعه شیعی عصر صادقین (ع) با تأکید بر مولفه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی

سید ابراهیم معصومی^۱ ✉

۱. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران. رایانامه: masoumi6228@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی	در اواخر حکومت امویان، به دلیل نزاع با نیروهای مخالف به ویژه عباسیان و تمرکز بر سرکوب آن‌ها، امام محمد باقر و امام جعفر صادق (علیهما السلام) فرصت پیدا کردند تا معارف دینی فراموش شده دوره پیامبر اسلام را برای مردم ارائه دهند. این دوره از حیات شیعیان دوره بسیار حساسی بود؛ چرا که نقطه آغاز بسیاری از قیام‌ها در این زمان زده شد و باعث به وجود آمدن قیام‌های شیعی در سال‌های بعد گردید. شناخت وضعیت شیعیان، نیازمند بررسی جنبه‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است. مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و بر پایه منابع کتابخانه‌ای یافته‌های خود در قالب چهار الگوی محیطی: قوت (شکل‌گیری مکتب علمی، جغرافیای تشیع، وجود رهبر واحد و وضعیت فرهنگی جامعه شیعی) و ضعف (وضعیت اقتصادی شیعیان، وضعیت سیاسی و اجتماعی شیعیان، انشعاب شیعیان، مشاغل شیعیان، اختلاف در مصداق امام و قیام‌های نابهنگام) به لحاظ درونی و فرصت (اختلاف بین امویان، درگیری امویان و عباسیان، قیام بر علیه حکومت وقت، مبارزه عباسیان بر علیه امویان و رفع ممنوعیت حدیث) و تهدید (جریان‌های فکری سیاسی عصر امام باقر و امام صادق (علیهما السلام)، عملکرد حکومت‌های وقت، ممنوعیت کتابت حدیث و احادیث ساختگی) به لحاظ بیرونی را مورد بررسی قرار می‌دهد.
تاریخ دریافت:	۱۴۰۳/۰۵/۱۶
پذیرش نهایی:	۱۴۰۳/۰۷/۳۰
تاریخ انتشار:	۱۴۰۳/۱۱/۱۵
کلیدواژه‌ها:	تحلیل محیطی، جامعه شیعی، امام باقر (ع)، امام صادق (ع)، قوت و ضعف، فرصت و تهدید، مولفه سیاسی، مولفه اجتماعی، مولفه فرهنگی.

استناد: معصومی، سید ابراهیم (۱۴۰۳). تحلیل وضعیت محیطی جامعه شیعی عصر صادقین (ع) با تأکید بر مولفه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی. پژوهش‌های نوین در مطالعات تاریخ اسلام و ایران، سال اول، شماره ۱ (۲)، ۱۷۶-۱۹۰.



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه لرستان.

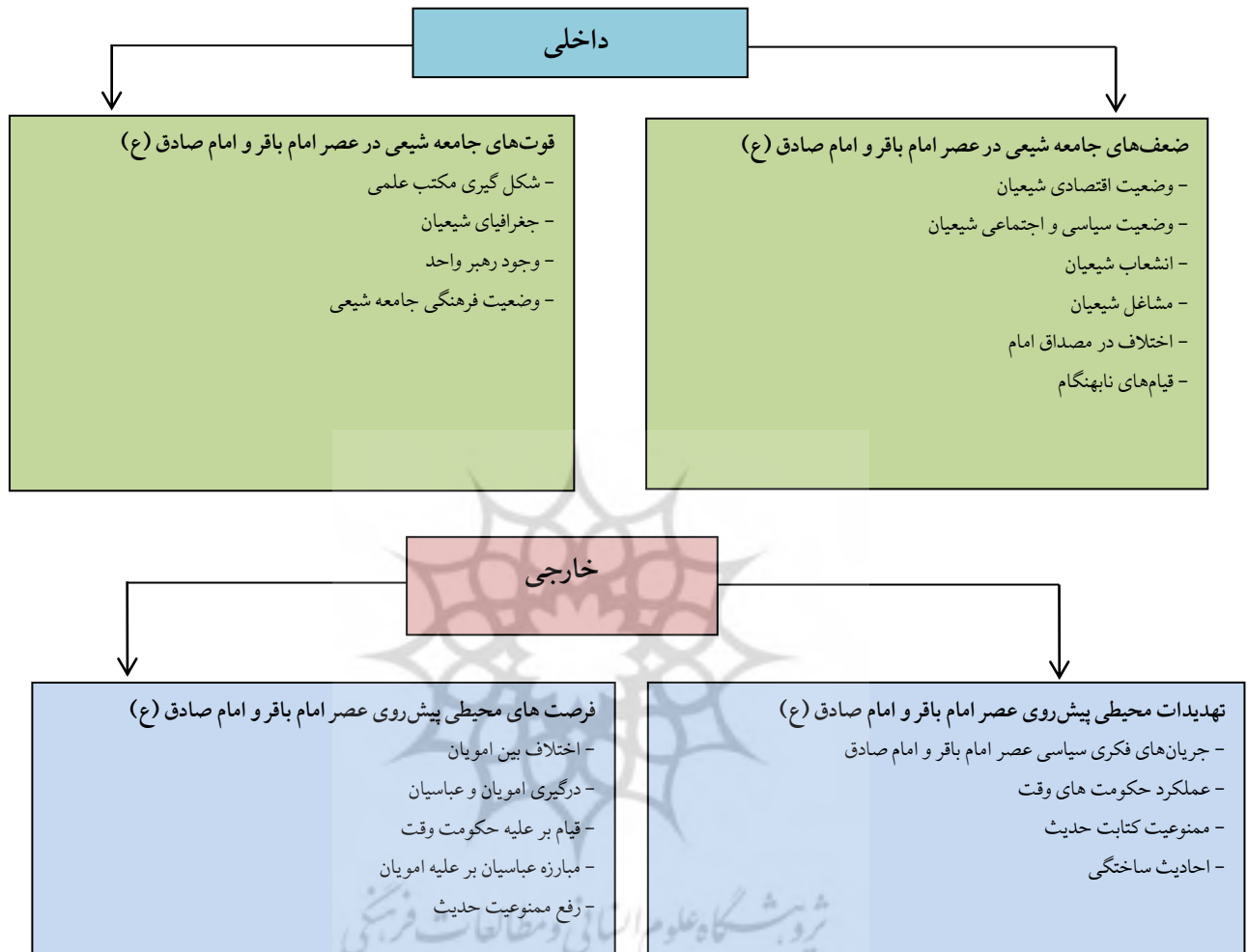
۱. مقدمه

قوانین و سنت‌های الهی در مسیر تکامل جوامع بشری وجود دارد که براساس هدایت خوامی و هدایت یابی انسان از منبع وحی ربوبی صادر شده است. این منبع آخرین نسخه تکامل بخش اسلام را برای جهان بشریت به ارمغان آورده است. اسلام راستین نوید رهایی از ستمگری‌های ستم‌کاران در طول تاریخ انسان را داده است و رسیدن به جامعه انسانی و جهانی مزین به عدل الهی را برای هرچه بیشتر جوامع انسانی جزو برنامه‌های خود دارد که با صراحت و قاطعیت و حتمیت ناشی از قانون‌مندی حرکت تاریخی جوامع بشری به انسان عصر پیامبر^(ص) سرداد و نهادینه کرد. رسالت خاتم پیامبران و امامان راستین پس از او که وظیفه تحقق بخشیدن به آرمان‌های الهی اسلام را بر عهده گرفته بودند؛ ضمن ارائه یک برنامه درازمدت و حساب‌شده، نزدیک شدن به آرمان‌های الهی توسط جامعه و امت اسلامی خاتم پیامبران را در نظر داشتند. با توجه به فراز و نشیب‌های مطرح در یک چنین حرکت تاریخی دشواری هدایت خلق را در بهترین وجه و با توجه به قوانین و سنت‌های الهی حاکم بر حرکت جوامع انسانی با راهنمایی قرآن و سنت و با توشه باری از سیره انبیای الهی در طول تاریخ جامعه اسلامی را راهبری و راهنمایی نموده و با فرهنگ‌سازی و سیاستمداری دقیق از پیچ و خم‌های دهلیزها و گذرگاه‌های گوناگون حاکمیت‌های ستمگرانه، جامعه بشری و اسلامی را برای هر دو دوران خطیر عصر غیبت کبری و عصر ظهور منجی بشریت از ظلم و ستم فراگیر و جهانی آماده کردند. در این مسیر، امام باقر^(ع) و امام صادق^(ع) با توجه به شرایط ویژه عصر خویش، کوشیدند و سیاست‌های راهبردی در حوزه‌های: فرهنگی، تربیتی، اجتماعی و سیاسی را به کارگرفته و جامعه را در این مسیر هدایت قرار دادند و

مشعل‌دار یک حرکت همه جانبه برای نسل‌های پس از خود

(اعم از امامان معصوم و سایر پیروان آنان) بودند. درباره تحلیل وضعیت جامعه شیعی در عصر صادقین (امام باقر و امام صادق علیهما السلام) با استفاده از مدل SWOT (قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها) و با تأکید بر مؤلفه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، مقالات علمی مهمی بررسی شده است: اولین مقاله با عنوان «راهبردهای سیاسی صادقین در مواجهه با انحرافات سیاسی و فرهنگی» (۱۳۹۵) منتشر شده است. این مقاله با استفاده از مدل SWOT، قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای سیاسی شیعیان به ارائه راهبردهای سیاسی جامعه شیعی در عصر امام باقر و امام صادق^(ع) می‌پردازد. دومین مقاله با عنوان «استراتژی (راهبردهای) فرهنگی صادقین (ع) در عبور از بحران‌های پیش روی جامعه شیعی عصر غیبت» (۱۴۰۲) براساس الگوی سوات (SWOT) منتشر شده است. این مقاله با استفاده از مدل SWOT، قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای فرهنگی به ارائه راهبردهای فرهنگی در جامعه شیعی در عصر صادقین (علیهما السلام) می‌پردازد. اما مقاله حاضر درصدد تحلیل وضعیت محیطی در چهار رویکرد قوت، ضعف و فرصت و تهدید می‌باشد و تأکید دارد که جامعه شیعی عصر صادقین علیهما السلام را با تأکید بر مؤلفه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مورد بررسی قرار دهد. مقالات فوق هر کدام به بخشی از آن پرداخته‌اند و در این مورد کامل نبودند.

تصویر ۱: تجزیه و تحلیل نقاط قوت و ضعف در محیط داخلی و خارجی



در تحلیل محیط سیاسی و اجتماعی داخلی، جامعه مدنظر به لحاظ قوت و ضعف مورد بررسی قرار می‌گیرد و مؤلفه‌های قوت و ضعف آن در بوته تحلیل گذاشته می‌شود.

۲. نقاط قوت

نقطه قوت عبارت است از توانایی‌هایی که یک سیستم از آن برخوردار است و به وسیله آن می‌تواند نسبت به محیط خارج و رقبای خود برتری داشته باشد. در این بخش تلاش می‌شود نقاط قوت جامعه شیعی در دوران امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) مورد بررسی قرار گیرد.

۱-۲. شکل‌گیری مکتب علمی

در عصر امام باقر و امام صادق (علیهما السلام)، شرایط سیاسی جامعه به دلایل مختلف از جمله اختلاف داخلی در بین امویان و شورش‌های متعدد در اطراف حکومت اسلامی به گونه‌ای تغییر یافت که ایشان توانستند، مکتب علمی در رشته‌های مختلف علوم عقلی و نقلی تشکیل داده و کرسی تدریس برپا کرده و به تعلیم و تربیت مردانی دانشمند و متعهد به ارزش‌های شریعت اصیل اسلام بپردازند. در بررسی زندگی علمی امام محمد باقر و امام صادق (ع) نام بسیاری از شاگردان و شخصیت‌های ممتاز علمی جهان اسلام همانند محمد بن مسلم، جابر جعفی، زراره بن اعین، ابو بصیر الاسدی، فضیل بن یسار، محمد بن مسلم الطائفی و برید بن معاویه العجلی، هشام بن حکم، مؤمن الطاق، مفضل بن عمر جعفی، ابو بصیرلیث بن البختری، جمیل بن درّاج، معلی بن خنیس، ابو حمزه ثمالی و فیض بن مختار کوفی را می‌توان نام برد. البته در کتب رجال، روایان امام باقر و امام صادق (ع) تا چهار هزار نفر نیز نقل شده است (شهر آشوب، ۱۳۹۷: ۴/۲۱۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۱/۸۳؛ پیشوایی، ۱۳۷۵: ۳۰۶. عمادزاده، ۱۳۶۲: ۱/۳۰).

۲-۲. جغرافیای شیعیان

هسته اولیه تشیع در عربستان شکل گرفت و تا پایان نیمه نخست قرن اول هجری از مکه و مدینه و چند شهر محدود عراق بیرون نرفت. در دوران امامت امام باقر و امام صادق (علیهما السلام)، شیعیان تحت فشارهای گسترده‌ای قرار داشتند که این شرایط مانع از گسترش معارف شیعه به مناطق دورتر از شبه جزیره عربستان، عراق و مصر شد. با این حال، در اواخر حکومت امویان، تشیع به صورت محدود و سطحی به مناطقی مانند قم، خراسان و کاشان راه یافت. گسترش تشیع در خراسان با حضور یحیی بن زید و در کاشان با ورود علی بن امام محمدباقر (علیه السلام) به این مناطق، تا حدودی افزایش یافت. این روند نشان‌دهنده نفوذ تدریجی تشیع در مناطقی فراتر از مراکز اصلی آن دوران است. کوفه نیز در رشد و گسترش تشیع سهم قابل‌ملاحظه‌ای داشته است. دلیل عمده تشیع و رشد آن در این شهر، وجود مبارک حضرت علی (ع) در دوره خلافتش در این شهر بوده است. همچنین شهر بصره که پس از اسلام در حدود سال ۱۵ ق ساخته شد، براساس آمار ارائه‌شده، حدود ۳۵ هزار نفر در آن زندگی می‌کردند (میرسلیم و حدادعادل، ۱۳۷۸: ۳/۴۷۲). در منابع مختلف تاریخی، از حضور شیعیان در مدائن از دهه‌های نخست تاریخ اسلام سخن گفته شده است. امارت سلمان فارسی، شخصیت ممتاز تشیع بر این شهر، سفر و اقامت امام حسن (ع) به این شهر برای گردآوری سپاه در جنگ با معاویه و شرکت شیعیان مدائنی در قیام توأبین به رهبری سعد پسر حذیفه بن یمان را می‌توان دلایل این امر دانست (مسعودی، ۱۳۶۷: ۱/۶۶۳؛ طبری، ۱۹۸۷: ۴/۳۴۵). مصر یکی از مهم‌ترین سرزمین‌های اسلامی است که در سال ۲۴ ق به دست مسلمانان فتح شد. بسیاری بر این باور هستند که همزمان با ورود اسلام به مصر، تشیع نیز وارد این حیطه جغرافیایی شده است؛ چراکه در جریان فتح این منطقه، بسیاری از

محبان حضرت علی^(ع) در سپاه اسلام حضور داشته‌اند (مقریزی، ۱۴۱۸ق: ۱/ ۸۱۵). همچنین از نیمه دوم قرن اول و قرن دوم هجری گرایش برخی از مناطق ایران به ویژه مردم خراسان، قم و کاشان به مذهب تشیع گزارش شده است. لذا به دلیل وجود فضای مناسب برای تشیع در کاشان، اهالی آن منطقه نامه‌ای به امام محمدباقر^(ع) نوشته و درخواست سفیر فرهنگی کرده تا معارف اهل بیت در کاشان گسترش یابد. امام باقر^(ع) در پاسخ، فرزند خود علی بن محمد^(ع) مدفون در منطقه مشهد اردهال کاشان را به این منطقه می‌فرستند (قمی، ۱۳۶۱: ۲۴۰).

۲-۳. وجود رهبر واحد

شیعیان برخلاف سایر مذاهب اسلامی که درباره امامت قائل به نص خفی بودند معتقد به نص آشکار بودند؛ یعنی امامت دینی و سیاسی و عهده‌داری امور حکومت و خلافت را مخصوص امام واحد می‌دانستند، که به اسم از ناحیه خداوند منصوب شده و عصمت و اعلی‌ت از شرایط آن است. امامیه برای پیشوایان خود، مرجعیت علمی، دینی و سیاسی قائل بوده و خلافت بعد از پیامبر را نیز متعلق به آن‌ها می‌دانند. امام باقر^(ع) و امام صادق^(ع) که بعد از امام سجاد^(ع) به ترتیب رهبری جامعه شیعی را بر عهده داشتند، با رهنمودهای عالمانه و دوراندیش خودشان، حرکت تشیع را که حرکتی با خصلت‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی بود، وارد مرحله جدیدی کردند و به تولید اندیشه و پایه‌گذاری مکتب مستقل امامیه در حوزه‌هایی، چون فقه، ادبیات، کلام، علوم طبیعی، قرآن و حدیث پرداختند. از این رو رهبر جامعه شیعی با مشی اصلاح‌گرایانه، در پی زدودن انحرافات از حکومت و جامعه بود. به همین جهت امام باقر و امام صادق^(ع) در مبارزه خود به دنبال تغییرات ماهوی در سطح کلی جامعه و حکومت بودند و آن را با روش‌های خاص

خود از جمله کادرسازی نیروهای زبده دنبال می‌کردند (محمدجعفری، ۱۳۷۳: ۳۳۹؛ دفتری، ۱۳۷۵: ۱۰۱).

۲-۴. وضعیت فرهنگی جامعه شیعی

بعد از رحلت پیامبر^(ص) و گذر از دوران خلفای راشدین و تثبیت خلافت در خاندان امویان، آن‌ها اقدام به کارهایی از قبیل محدود کردن اهل بیت پیامبر^(ص) در جامعه اسلامی برای جاهل نگه‌داشتن مردم انجام دادند. این اعمال باعث افول وضعیت فرهنگی جهان اسلام شد. در نتیجه مردم نسبت به احکام اسلام در جهل گسترده‌ای به سر بردند. امامین صادقین^(ع) فرزندان و شاگردان ایشان بیشتر فعالیت خود را در بخش‌های فکری، فرهنگی، کلامی، فقهی و حدیثی موجود در جامعه اسلامی متمرکز کردند (عاملی، ۱۴۰۹: ۱/ ۸۰) شیعیان از ابتدا به نقل و کتابت احادیث نبوی اهتمام داشته و در این راه تمامی خطرات را به جان می‌خوردند. در این دوره با توجه به تعداد شاگردان و فراوانی موضوعات و توجه امام به احادیث پیامبر^(ص) کتاب‌ها و رساله‌های مختلفی در تمامی زمینه‌ها از شاگردان آن حضرت جمع‌آوری شده است. برجسته‌ترین شاخصه رفتاری شیعیان در عصر رهبری امام باقر و امام صادق^(ع) که به عنوان فرهنگی مذهبی تلقی می‌شد، تبعیت از امامان معصوم بود؛ به طوری که می‌توان آن را به عنوان فرهنگ تشیع اثنی‌اعشری تلقی کرد. البته ولایت‌پذیری شیعیان براساس جاهل بودن مردم یا خوف و غلبه نبوده است، بلکه از طریق شناخت صحیح آن بزرگواران به عنوان رهبر، از سوی شیعیان یا پیروانش تلقی می‌شد. چون در نظام تشیع مسئله شناخت امامت مجرای شناخت خداوند نیز بوده است. در این بین، افرادی از شیعیان بودند که با ایشان مخالفت می‌کردند (یعقوبی، ۱۳۷۳: ۳/ ۶۶؛ شهرآشوب، ۱۳۹۷ق: ۴/ ۲۰۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۴۶/ ۳۲۸؛ مسعودی، ۱۳۶۷: ۳/ ۲۱۷-۲۱۹؛ کلینی، ۱۳۶۲: ۲/ ۱۸).

۳. نقاط ضعف (W)

در این بخش نقاط ضعف جامعه شیعی در دوران علی بن امام باقر^(ع) مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۱. وضعیت اقتصادی شیعیان

اطلاعات نسبی از وضعیت اقتصادی شیعیان در زمان امام باقر و امام صادق^(ع) وجود دارد، اما وضعیت دقیق اقتصادی شیعیان به درستی مشخص نیست. به همین دلیل توضیح مختصری از وضعیت شیعیان با اطلاعات علم فقه و علم رجال ارائه می‌شود. شیعیان به دلیل اقلیت طردشده در بسیاری از دوره‌ها به صورت طبیعی از بسیاری فرصت‌ها که غیر شیعیان می‌توانستند بهره‌مند شوند محروم بودند. امام باقر و امام صادق^(ع) نیز شاگردان و شیعیان را از هرگونه همکاری و اشتغال به کارهایی که به گونه‌ای همکاری با حکومت شمرده می‌شد، را منع می‌کردند. با این حال، شیعیان از فرصت‌های شغلی که کمتر به حکومت مربوط می‌شد، همچون تجارت، صرافی و کارهای خدماتی استفاده می‌کردند. آن‌ها در زمینه زراعت به دلیل در اختیار داشتن زمین‌ها توسط دولت یا مقاطعه‌کاران و افراد متمول کمتر اشتغال داشتند. شیعیان از لحاظ مالی و زندگی در یک طبقه نبودند. برخی از شیعیان ثروتمند بودند. افرادی که زکات می‌پرداختند یا افرادی که تصریح شده وضعیتشان خوب بوده، جز این دسته‌اند. افرادی که بر اموالشان زکات واجب می‌شد، در زمره شیعیان ثروتمند بودند (کلینی، ۱۳۶: ۳/۵۵). البته فقر در میان شیعیان عمومیت داشت. برخی فقر شیعه را عامل رشد این مذهب دانسته‌اند:

تصادفی نیست اصحابی که بر جان‌شینی و خلافت امام علی^(ع) اصرار می‌ورزیدند، متعلق به اکثریت فقیر بودند یا از کسانی بودند که چون مال و مکتب بر آن‌ها عرضه شد، آن را نپذیرفتند. اساساً نیروهایی را که تحت لوای تشیع مبارزه کرده‌اند، یک‌رشته به هم مرتبط می‌سازد و آن عامل، فقر اقتصادی و فقدان مال و ثروت است (العلوی، ۱۳۷۶: ۲۱).

۳-۲. وضعیت سیاسی - اجتماعی شیعیان

با روی کار آمدن معاویه، ارزش‌های جامعه اسلامی تغییر کرد. این وضعیت پس از معاویه نیز ادامه پیدا کرد و عرصه را بر شیعیان و دلدادگان مکتب نبوی تنگ‌تر کرد. مسلط شدن کارگزاران سفاک و جنایتکاری چون حجاج بن یوسف بر جان و مال و حیثیت مردم، نمایان‌گر گوشه‌ای از خیانت‌های دودمان اموی به امت اسلامی و شیعیان است. بعد از واقعه کربلا و اقدام حکومت وقت در به شهادت رساندن امام حسین^(ع) و به اسارت بردن خاندان اهل بیت^(ع) خفقان سنگینی بر جهان اسلام سایه افکند. مسلمانان یقین داشتند که دیگر اهل بیت و جریان امامت از بین رفته‌است. قیام‌هایی مانند قیام توابین، قیام مختار، قیام مطرف بن مغیره بن شعبه و ترمذ عبد الرحمان بن محمد بن اشعث اگرچه جرقه امیدی در آن دوره از خفقان بود؛ ولی با سرکوب شدید حکومت، این جرقه امید محو شد. فشاری که از ناحیه امویان بر شیعه اعمال می‌شد جز در دو سال حکومت عمر بن عبدالعزیز (۹۹-۱۰۱ق) در تمام دوران حکومت آنان به شدت ادامه داشت (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۳۶۰/۴۶). پس از اینکه عباسیان با شعار الرضا من آل محمد برای خود یارانی جمع‌آوری کردند و حکومت امویان را ساقط کرده و خود بر اریکه قدرت و مسند خلافت تکیه زدند؛ آزادی نسبی در اختیار شیعیان قرار گرفت. هر چند در همان ابتدای حکومت بنی عباس، فعالیت شیعیان تحت کنترل بود، به طوری که در دوره منصور شدیدترین فشارها علیه شیعیان اعمال شد. اصحاب امام صادق^(ع) به منظور صیانت خود از گزند منصور مجبور بودند به طور کامل تقیه نموده و مواظب باشند تا کوچک‌ترین بی‌احتیاطی از آنان سر نزنند. سفارش‌های مکرر امام صادق علیه السلام بر تقیه، خود دلیل آشکاری بر وجود چنین فشار سیاسی بود. خطر هجوم بر شیعه چنان نزدیک بود که امام برای حفظ آنان ترک تقیه را

مساوی ترک نماز اعلام فرمود (جعفریان، ۱۳۸۱: ۲۸۳-۲۸۱).

۳-۳. انشعاب شیعیان

شیعیان بعد از قیام عاشورا به چند گروه تقسیم شدند. گروه اول امامیه به رهبری امام باقر^(ع) و امام صادق^(ع) بودند (شهر آشوب، ۱۳۹۷ق: ۴/۲۳۷). گروه دوم زیدیه است که پس از شهادت زید فرزند امام سجاد^(ع) (مسعودی، ۱۳۶۷: ۲۱۰/۲؛ طبری، ۱۳۷۱: ۳/۲۰۵-۲۰۸؛ یعقوبی، ۱۳۷۳: ۲/۲۹۸-۲۹۹) فرزندش یحیی رهبر ایشان شد (محری، ۱۳۸۲: ۱۵۰-۱۵۱). گروه سوم، حسینیان به رهبری عبدالله محض از فرزندان حسن بن حسن (حسن مثنی) هستند (مفید، ۱۳۷۶: ۱۱۹). او سعی داشت برای پسرش نفس زکیه به عنوان مهدی امت بیعت گرفته و خلافت را به دست آورد (یعقوبی، ۱۳۷۳: ۲/۳۷۴-۳۷۹؛ بلاذری، ۱۴۱۷: ۳/۳۰۵). گروه چهارم حنفیان به رهبری محمد بن حنفیه هستند. او پس از شهادت امام حسین^(ع) داعیه دار امامت نبوده است ولی مقبولیت عامه (سبط ابن جوزی، ۱۴۱۸: ۲۶۴) و منتسب بودن برخی گروه‌ها به وی قطعی است (اشعری قمی، ۱۳۶۱: ۲۱؛ قمی، ۱۳۷۹: ۲-۲۳). او در سال ۸۱ق از دنیا رفت و گروه منتسب به ایشان (کیسانیه) پس از او به سه گروه تقسیم شدند. گروهی معتقد بودند که ایشان در کوه رضوی در غیبت به سر می‌برد و از آنجا ظهور خواهد کرد. گروه دیگر مرگش را پذیرفتند، اما معتقد به بازگشت دوباره او شدند و گروه سوم با پذیرش مرگ وی پسرش، ابوهاشم را با اعتقاد به نص محمد بن حنفیه بر امامت وی، به امامت برگزیدند. پس از آن ابوهاشم به صورت رسمی به عنوان امام حنفیان فعالیت خود را آغاز کرد. البته حنفیان مانند سایر گروه‌ها بر علیه امویان مبارزه می‌کردند. فعالیت آن‌ها بعد از شکست قیام مختار بیشتر به صورت مخفیانه صورت می‌گرفت (محمدجعفری، ۱۳۷۳:

۳۱۶؛ دفتری، ۱۳۷۵: ۷۶). حنفیان پس از مرگ ابوهاشم به فرقه‌های گوناگونی درآمدند؛ اما اغلب آنان انتقال امامت از وی به عباسیان را پذیرفتند. در نتیجه کاملاً از بین رفتند (محمدجعفری، ۱۳۷۳: ۳۱۶؛ دفتری، ۱۳۷۵: ۷۶).

۴-۳. مشاغل شیعیان

یکی از مباحث مهم و مورد بحث شیعیان در زمان امام باقر^(ع) عدم ورود آن‌ها به مشاغل دولتی بود. شیعیان از اقلیت مخالف حکومت به شمار می‌رفتند؛ بنابراین بنا به مصالحی وارد سیستم حکومت نمی‌شدند. این عمل نوعی ضعف سیاسی به حساب می‌آمد. به دلیل آنکه خیلی از فرصت‌ها در امور مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، حقوقی و تجربه حکومت‌داری از شیعیان به دور بود. حکومت‌ها نیز از این استراتژی شیعیان استقبال می‌کردند. با این اقدام، شیعیان یک نیروی شناخته‌شده در محدوده بیرون از حکومت قرار می‌گرفتند که کنترل آن‌ها برای دولتمردن آسان بود (حموی، ۱۹۹۰: ۵/۷۵؛ زبیدی، ۱۴۱۴ق: ۲۰۴).

۵-۳. اختلاف در مصداق امام

بعد از واقعه عاشورا، مردم درباره مصداق امامت دچار اختلاف شدند. در نگاه مردم، اهل بیت^(ص) شامل دو گروه بودند: طالبیان و عباسیان. فرزندان ابوطالب شامل آل علی، آل جعفر و آل عقیل بود و آل علی یا علویان نیز شامل سه فرزند علی^(ع) (حسن، حسین و محمد بن حنفیه) و نوادگان آن‌ها بودند. آل حسن و آل حسین این امتیاز را داشتند که فرزند فاطمه بودند؛ چراکه برخی شرط امامت را فاطمی بودن می‌دانستند. متأسفانه اقبال عمومی به خاندان پیامبر^(ص) باعث به وجود آمدن برخی رقابت‌های ناشایست در مصداق آل محمد^(ص) و مقام امامت شد. احادیث متفق‌القول شیعه بر انتخاب امام سجاد، امام باقر و امام صادق^(ع) به عنوان وصی و امام توسط نص خاص تأکید کرده‌اند.

از چالش‌های امام باقر و امام صادق^(ع)، منازعات داخلی شیعیان برای اثبات حقانیت امامت و مصداق واقعی بودن آل محمد^(ص) برای خود بود که از جمله آن‌ها می‌توان به ادعای امامت محمد حنفیه و فرزندش ابوهاشم، ادعای عبدالله محض برای امامت فرزندش محمد نفس زکیه و همچنین زید بن علی بن حسین^(ع) برادر ناتنی امام باقر^(ع) و یحیی بن زید اشاره کرد (محمد جعفری، ۱۳۷۳: ۲۸۹). لذا تقابلی که میان امام باقر^(ع) با زید اتفاق افتاد و همچنین تأکید امام باقر^(ع) بر مسئله مشروعیت، حقانیت و نص بر امامت خود از سوی امام سجاده^(ع) را در پی داشت. سعی امام بر تبیین مفهوم امامت و وظایف او به عنوان مفسر واقعی احکام الهی و جانشین رسول الله^(ص) از طرف خدا بود و در این زمینه هم موفق به برگرداندن برخی از پیروان خود شد که به سوی زید رفته بودند. همچنین منازعه‌ای که درباره شروط امامت و قیام بالسیف، بین امام باقر^(ع) و برادرش زید اتفاق افتاد، ناظر بر این مطلب است. این موارد نشانگر آن است که در بین خاندان اهل بیت^(ع) کسانی بودند که می‌خواستند امامت را به خود اختصاص داده و از آن بهره‌مند شوند. همچنین کسانی بودند که می‌خواستند اختلافی بین صفوف شیعیان انداخته و از آن به نفع خود استفاده کنند. امام باقر و امام صادق^(ع) تا لحظات آخر عمر شریفشان با این تفکر مبارزه کرده و حافظ خط اصیل امامت شدند (کشی، ۱۳۴۸ق: ۲۷۶ و ۳۴۷).

۳-۶. قیام‌های نابهنگام

زید فرزند امام سجاده^(ع) به خونخواهی امام حسین^(ع) و با شعار یا منصور اُمت قیام کرد. قیام ایشان در زمان امامت امام صادق^(ع) اتفاق افتاد، اما مقدمات آن در زمان امام باقر^(ع) مهیا شد. او پس از پشت سر گذاشتن درگیری‌های لفظی با هشام بن عبدالملک، در سال ۱۲۱ق بر ضد بنی‌امیه قیام کرد، اما در اثنا جنگ به شهادت رسید و قیامش با شکست مواجه شد (یعقوبی، ۱۳۷۳: ۲۹۸/۲-۲۹۹؛

طبری، ۱۳۷۱: ۲۰۶/۴). بعد از شهادت زید در سال ۱۲۱ق پسرش یحیی به خراسان رفت. در آنجا توسط نصر بن سیار زندانی شد. پس از مرگ هشام از زندان گریخت و مردم زیادی از شیعیان خراسان اطراف او جمع شدند. یحیی به سوی نیشابور حرکت کرد و با حاکم آنجا جنگید و او را شکست داد. در سال ۱۲۵ق در جوزجان، هنگام جنگ با سپاه بنی‌امیه کشته شد و نیروهایش پراکنده شدند (محرر، ۱۳۸۲: ۱۵۰-۱۵۱).

۴. تحلیل محیط سیاسی خارجی جامعه شیعی عصر امام صادق^(ع)

در این بخش محیط سیاسی خارجی عصر امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) مورد بررسی قرار گرفته و فرصت‌های پیشرو جامعه شیعی و همچنین تهدیدهایی که در کمین شیعیان بودند مورد تحقیق قرار می‌گیرد.

۴-۱. فرصت (O)

مؤلفه فرصت در تحلیل محیطی عبارت است از یک موفقیت مطلوب در محیط خارجی سیستم را گویند که سیستم با استفاده از آن می‌تواند به اهداف خود در کوتاه‌مدت و درازمدت برسد.

۴-۱-۱. اختلاف بین امویان

پس از بیعت گرفتن برای یزید توسط معاویه، اختلاف در بین خاندان اموی شروع شد (مقدسی، ۱۳۷۴: ۹۰۱/۲). با مطرح شدن ولایت‌عهدی مروان این اختلاف شدت گرفت. زمانی که مروان به حکومت رسید (طبری، ۱۳۷۱: ۲۹۳/۵-۲۹۴) قرار بر این شد که بعد از او به ترتیب خالد بن یزید بن معاویه و سپس عمرو بن سعید بن عاص به حکومت برسند؛ اما مروان با این نیت که خلافت را در خاندان خود نگه دارد برای فرزندانش عبدالملک و سپس عبدالعزیز بیعت گرفت. در واقع با این کار به اختلافات موجود دامن زد. از این رو عمرو بن سعید بن عاص نیز با عبدالملک بیعت نکرد

(دینوری، ۱۳۷۱: ۳۳۱). با کشته شدن عمرو به دست عبدالملک (ابن سعد، ۱۳۷۴: ۷/۴۳۷)، حکومت در خاندان مروان تثبیت شد؛ اما همچنان مخالفت‌ها وجود داشت. قوم‌گرایی تا پایان حکومت بنی‌امیه ادامه داشته و باعث درگیری‌های مختلفی شد. علاوه بر این، عوامل خارجی نیز در سقوط حکومت امویان نقش اساسی داشت (ابن خلدون، ۱۳۷۵: ۱/۵۷۱).

۴-۲. درگیری امویان و عباسیان

پس از اینکه بنی‌امیه به قدرت رسید با روش‌های مختلفی اجازه ندادند جریان اصیل و چهره درخشان اسلام ناب و معارف امامان معصوم^(ع) در جامعه پیاده شود. تمامی فعالیت‌ها و توان پیروان راه ولایت و آرمان‌های بلند آنان توسط حاکمان بنی‌امیه سرکوب شد. این فضا همچنان ادامه یافت تا اینکه در اوایل سده دوم هجری، جریان عباسیان از فضای خفقان و ضد اموی موجود در جامعه اسلامی استفاده کرد و با نام اهل بیت پیامبر^(ص) سبب ضعف و افول قدرت سیاسی این خاندان شد. بنی‌عباس در فرصت مناسب به واسطه جنگ نظامی، حکومت امویان را از صحنه سیاسی خارج کرد (طوقش، ۱۳۹۱: ۱۸۸).

۴-۳. قیام بر علیه حکومت وقت

به دنبال درگیری و کشمکش در درون خاندان اموی بر سر قدرت، قبایلی هم که پشتوانه حکومت بودند به حمایت از افراد مختلف درون حکومت، با هم درگیر شدند. در ادامه، نزاع بین استانداران و حکام اموی برای رسیدن به قدرت در منطقه خود شکل گرفت. البته بیشترین اختلافات را می‌توان در زمان کشته شدن ولید دوم مشاهده کرد (اصفهانی، ۱۳۳۹: ۱/۳۴۵). همچنین به خاطر ظلم و ستم امویان و انجام امور خلاف شرع در حکومت، قیام‌ها و شورش‌های مختلفی بر علیه حکومت انجام گرفت. بسیاری از این قیام‌ها توسط عاملان بنی‌امیه در مناطق مختلف شکل

گرفت؛ کسانی که در ابتدا به عنوان حاکم منطقه‌ای از طرف خلیفه اموی انتخاب شدند. ولی در ادامه بر علیه خود خلیفه دست به قیام زدند (بلاذری، ۱۴۱۷ق: ۸/۳۰۰).

۴-۱-۴. مبارزه عباسیان بر علیه امویان

این دوره از زندگی امام باقر و امام صادق^(ع) مصادف با قیام‌های مختلف بر علیه امویان بوده است. در این دوره ضعف و تزلزل حکومت بنی‌امیه آشکار شده و تبلیغات بنی‌عباس بر علیه این خاندان بیشتر شد. عباسیان از زمان هشام بن عبدالملک تبلیغات و مبارزات سیاسی خود را به صورت رسمی آغاز کردند و در اکثر نقاط ممالک اسلامی با شعار «الرضا من آل محمد» علیه امویان تحرکات سیاسی خود را به راه انداختند. در نهایت سال ۱۳۲ق بنی‌عباس موفق شد حکومت امویان را از خلافت ساقط کند و ابوالعباس سفاح به عنوان نخستین خلیفه به قدرت برسد (پیشوایی، ۱۳۷۵: ۳۵۳).

۴-۱-۵. رفع ممنوعیت کتابت حدیث

از اقداماتی که خلیفه اول و دوم بعد از رحلت پیامبر اکرم^(ص) انجام دادند، جلوگیری از تدوین و نقل احادیث پیامبر^(ص) بود. این مسئله با انگیزه‌های سیاسی توسط حکومت انجام می‌شد. آن‌ها به دنبال این بودند تا معارف و بیانات پیامبر^(ص) در جامعه نشر پیدا نکنند. ممنوعیت نقل حدیث پیامبر^(ص) به جز چند سال حکومت امام علی و امام حسن^(ع) تا اواخر قرن اول هجری ادامه داشت. یکی از چالش‌های امام باقر^(ع) در متن حکومت اسلامی، عدم آشنایی مردم با معارف پیامبر^(ص) بود. ممنوعیت حدیث تا دوره حیات امام محمد باقر در خلافت عمر بن عبدالعزیز ادامه یافت (سیوطی، ۱۴۰۹: ۲/۶۴؛ مدیر شانه چی، ۱۳۶۲: ۳۰؛ السبحانی، ۱۴۱۰ق: ۱/۵۸-۷۳).

۴-۲. تهدید (T)

مؤلفه تهدید در تحلیل محیطی عبارت از موفقیت نامطلوب در محیط خارجی سیستم است. لذا تهدید با استفاده از فرصتی که در اختیار دارد و همچنین ضعفی که در درون سیستم موجود است، آن را با مشکل جدی مواجه می‌کند.

۵. جریان‌های فکری سیاسی عصر امام محمد باقر^(ع)

در اینجا جریان‌های فکری و سیاسی دوره امام محمد باقر^(ع) مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۵. جبریه و قدریه

جریان فکری جبریه و قدریه در زمان حکومت معاویه ایجاد شد، اما در عصر امام محمد باقر^(ع) رشد بیشتری یافت. جبریه عقیده داشت که انسان از خودش هیچ گونه اختیاری ندارد و تمامی اعمالی که انجام می‌دهد غیر ارادی است و باید در برابر تمامی امور تسلیم باشد. در مقابل، قدریه اعتقاد داشتند هر بنده‌ای به وجود آورنده فعل خود است و خدا او را خلق کرده و تمامی امور را به خودش واگذار کرده است و انسان حتی در اسباب کار یا انگیزه آن نیز مختار است. این دو نوع تفکر باعث شد که این دو فرقه در مقابل همدیگر قرار گیرند (حسینی دشتی، ۱۳۷۶: ۲۶۱/۸).

۲-۵. قیاس‌گرایی

جریان قیاس‌گرایی در زمان امام محمد باقر^(ع) در جامعه اسلامی ظهور کرد. این جریان زمینه بسیاری از بدعت‌ها و انحرافات را به وجود آورد. شالوده و بنیان این جریان مسئله عمل به قیاس (مقایسه احکام خدا با یکدیگر) و استحسان بود. نتیجه قیاس و استحسان در حقیقت به اعمال نظر شخصی و سلیقه‌ای در دین خدا و خروج از دستورالعمل پیامبر^(ص) است (مشکور، ۱۳۶۸: ۳۵۸).

۳-۵. مرجئه

مرجئه در پایان نیمه اول قرن اول هجری پدید آمد. این

فرقه دنبال توجیه ستم خلفای بنی امیه در قالب اندیشه‌های کلامی بود. آنان بر این باور بودند که مرتکب گناهان کبیره، مخلص در دوزخ نمی‌ماند، بلکه کار او را به خدا وا می‌گذاشتند و به این دلیل آنان را مرجئه می‌خواندند. آنان نیت و ایمان درونی را کافی می‌دانستند و عمل صالح را در جامعه لازم نمی‌دیدند و بر این باور بودند که خدا نیز بر آن بسنده می‌کند و عذابشان نخواهد کرد (شهرستانی، ۱۳۹۵ق: ۲۶۹/۹).

۴-۵. زنادقه

فعالیت زنادقه بر ایجاد شک و تردید در دین و القای شبهه و زیر سؤال بردن عقاید مردم و مبانی دین استوار بود. زنادقه با هدف قرار دادن توحید، دهر و طبیعت را منشأ آفرینش جهان معرفی می‌کردند. آن‌ها قرآن و آیات آن را به تمسخر می‌گرفتند؛ حتی عقاید دینی مردم را مورد تردید و شک قرار می‌دادند. یکی از مستمسک‌های زنادقه در مجادله با مسلمانان، ترویج عقاید دهري گري بود. دهريون، دهر و زمان را سبب هلاک انسان و موجب اجرای تقدیر می‌دانستند و معتقد بودند که تنها حیات این جهان اعتبار دارد و با مرگ انسان همه چیز تمام می‌شود و آنچه انسان را هلاک می‌کند و از بین می‌برد، گذشت زمان است (زرین کوب، ۱۳۸۶: ۵۰۴-۵۰۵).

۵-۵. دیصانیه

دیسانیه اصحاب ابوشاکر دیصان زندیق معروف عصر امام محمد باقر^(ع) هستند که به دو اصل نور و ظلمت باور دارند و معتقد هستند نور فعل خیر را از روی قصد و اختیار انجام می‌دهد و ظلمت شر را از روی طبع و اضطرار انجام می‌دهد و هر چه خیر و خوبی در عالم باشد از نور است و هر چه شر و بدی باشد از ظلمت است. آن‌ها معتقد هستند که نور، حی، قادر، حساس و درّاک است، حرکت و حیات، از آن به وجود آمده است و ظلمت، مرده، عاجز، جاهل و جماد

است و قدرت انجام فعل و تمیز ندارد و شر از آن به وجود آمده است (شهرستانی، ۱۳۹۵ق: ۱/ ۲۵۰).

۵-۶. مانویه

مانوی‌ها پیروان شخصی به نام مانی بودند. مانی قائل به نبوت عیسی^(ع) بود و به نبوت موسی^(ع) اعتقادی نداشت. مانی اعتقاد داشت که عالم مصنوع، مرکب از دو اصل قدیمی نور و ظلمت است و این دو نیز همیشه بوده و همواره خواهند بود. او همچنین وجود چیزی را که از اصل قدیم سرچشمه نگرفته باشد انکار می‌کرد و معتقد بود که نور و ظلمت همواره قوی، حساس، سمیع و بصیر هستند. با این وجود در نفس، صورت، فعل و تدبیر متضاد هستند و خیر و شر مانند شخص و سایه‌اش همیشه کنار هم هستند (زرین کوب، ۱۳۸۶: ۲۴۴).

۵-۷. مرقونیه

این گروه علاوه بر دو اصل نور و ظلمت، معتقد بودند اصل سومی نیز وجود دارد و آن اصل معدل و جامع بین نور و ظلمت است و رتبه آن پایین‌تر از نور و بالاتر از ظلمت است و از امتزاج جامع با نور و ظلمت، این عالم به وجود آمده است (زرین کوب، ۱۳۸۶: ۲۵۲).

۵-۸. خوارج

خوارج در نقطه مقابل مرجئه بودند. این فرقه پس از داوری بین امام علی^(ع) و معاویه در جنگ صفین پدید آمدند. آنان امام علی، معاویه، عثمان و حکمین را کافر شمردند؛ چراکه قائل بودند آنان حکمین را در مقابل حکم خدا انتخاب کردند و مرتکب گناه کبیره شدند و قائل‌اند بر اینکه مرتکب گناهان کبیره کافر بوده و ریختن خون آن‌ها مباح است. خوارج دشمنان سرسخت بنی‌امیه بوده و در حکومت‌داری مخالف روش ارباب رعیتی بودند و با نظر مخلوق بودن قرآن به شدت مخالف بودند (زرین کوب، ۱۳۸۶: ۵۰).

۶. احادیث ساختگی

در پی انحراف‌های عمیقی که پس از رحلت رسول اکرم^(ص) به جز دوران امام علی و امام حسن^(ع) به وجود آمد، رخداد تأسف برانگیزی دامن‌گیر جهان اسلام شد و آن جلوگیری از تدوین احادیث پیامبر اسلام بود. آثار زیان‌بار آن سالیان دراز بر پیشانی فرهنگ دینی مردم باقی ماند. نزدیک به یک قرن از نگاشتن و محفوظ داشتن احادیث نبوی^(ص) جلوگیری شدید به عمل آمد و به جای آن سیل عظیمی از تحریفات و احادیث ساختگی توسط علمای درباری از جمله ابوهریره در زمینه احادیث نبوی^(ص) و جعل آن‌ها به فرهنگ و اعتقاد مردم وارد شد. با توجه به اینکه تدوین و نقل احادیث پیامبر ممنوع شده بود، آن‌ها از این فرصت استفاده می‌کردند و مطالب دروغ و بی‌اساس را به نفع حکومت و مشروع جلوه دادن ماهیت حکومت‌های غاصب به صورت روایت از پیامبر^(ص) نقل می‌کردند (پیشوایی، ۱۳۷۵: ۳۲۵).

۷. عملکرد حکومت‌های وقت

پس از واقعه عاشورا، امویان به تدریج تمامی موانع و چالش‌های پیش‌روی حکومت خود را از میان برداشتند. امویان که بزرگ‌ترین تهدید را از سوی بنی‌هاشم احساس می‌کردند، تمام تلاش خود را به کار گرفتند تا اهل بیت پیامبر^(ص) را از جامعه دور نگاه دارند و مردم را نسبت به آنان بدبین کنند. همچنین آنان کوشیدند تا معارف و آموزه‌های پیامبر^(ص) و امامان معصوم را از جامعه اسلامی حذف کنند. این سیاست‌ها تا پایان حکومت امویان، به جز دوره کوتاه حکومت عمر بن عبدالعزیز ادامه یافت.

پس از سقوط امویان و روی کار آمدن عباسیان، در ابتدای حکومت ابوالعباس سفاح رویکردی نسبتاً ملایم‌تر نسبت به شیعیان و امام صادق^(ع) در پیش گرفته شد؛ چراکه عباسیان با شعار «الرضا من آل محمد» به قدرت رسیده بودند. با به خلافت رسیدن منصور دوانیقی، فشارها بر شیعیان افزایش یافت و فضایی به وجود آمد که شیعیان مجبور به تقیه شدند

و امکان ارتباط مستقیم با امام صادق^(ع) برای آنان بسیار محدود گردید. این شرایط خفقان‌آور در طول دوره حکومت امویان و عباسیان تداوم یافت و تهدیدی جدی برای شیعیان و نیز برای امام باقر^(ع) و امام صادق^(ع) در راستای گسترش معارف اهل بیت^(ع) به شمار می‌رفت (جعفریان، ۱۳۸۱: ۳۱۷-۳۲۵؛ القرشی، ۱۴۰۴ق: ۵۱/۲).

۸. نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر براساس الگوی راهبردی محیطی و مطالعه و شناسایی ویژگی‌های جامعه شیعی، وضعیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عصر امام باقر و امام صادق (علیهما السلام)، از ابعاد داخلی و خارجی به لحاظ ضعف، قوت، فرصت و تهدید مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت یافته‌های ذیل به دست آمد.

ضعف‌های جامعه شیعی در عصر امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) مانند وضعیت اقتصادی شیعیان، وضعیت سیاسی و اجتماعی شیعیان، انشعاب شیعیان، مشاغل شیعیان، اختلاف در مصداق امام و قیام‌های ناپهنگام. قوت‌های جامعه شیعی در عصر امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) مانند شکل‌گیری مکتب علمی، جغرافیای شیعیان، وجود رهبر واحد و وضعیت فرهنگی جامعه شیعی. تهدیدات محیطی پیش‌روی عصر امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) مانند جریان‌های فکری-سیاسی دوره امام محمد باقر و امام جعفر صادق (علیهما السلام)، عملکرد حکومت‌های وقت، ممنوعیت کتابت حدیث و احادیث ساختگی. فرصت‌های محیطی پیش‌روی عصر امام باقر و امام صادق^(ع) مانند اختلاف بین امویان، درگیری امویان و عباسیان، قیام بر علیه حکومت وقت، مبارزه عباسیان بر علیه امویان و رفع ممنوعیت حدیث.

کتابنامه

- قرآن کریم.

- ابن سعد، محمد بن سعد کاتب، الطبقات الکبری، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: فرهنگ و اندیشه، ۱۳۷۴.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دارصادر، ۱۴۱۴ق، چاپ سوم.
- ابن جوزی، تذکره الخواص، قم: شریف رضی، ۱۴۱۸ق.
- ابن خلدون، عبدالرحمن، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵، چاپ نهم.
- الاسدی، احمد بن محمد بن فهد الحلی، التحصین و صفات العارفین، ترجمه سید علی جبار گلباغی ماسوله، قم: لاهیجی، ۱۳۷۷.
- الاشعری القمی، سعد بن عبدالله، المقالات و الفرق، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱.
- اصفهانی، ابوالفرج، فرزندان ابوطالب، ترجمه جواد فاضل، تهران: کتابفروشی علی اکبر علمی، ۱۳۳۹.
- اصفهانی، سید محمدتقی موسوی، مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم، ترجمه محمد مهدی حائری قزوینی، تهران: دفتر تحقیقات و نشر بدر، ۱۳۷۹، چاپ چهارم.
- اصفهانی، سید محمدتقی موسوی، مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم، ترجمه محمد مهدی حائری قزوینی، تهران: دفتر تحقیقات و نشر بدر، ۱۳۷۹، چاپ چهارم.
- البلاذری، احمد بن یحیی، جمل من انساب الأشراف، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۷ق.
- پیشوایی، مهدی، سیره پیشوایان، قم: مؤسسه امام صادق^(ع)، ۱۳۷۵، چاپ سوم.
- جاسم، حسین، تاریخ سیاسی عصر غیبت امام دوازدهم، ترجمه سید محمد تقی آیت اللهی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۷.
- جان پیرس، ریچارد کنت رابینسون، برنامه‌ریزی و مدیریت استراتژیک، ترجمه سهراب خلیلی شورینی، تهران: یادواره کتاب، ۱۳۸۰، چاپ دوم.
- جباری، محمدرضا، سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه^(ع)، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۲.
- جعفریان، رسول، تاریخ ایران اسلامی، تهران: موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۱، چاپ سوم.
- جعفریان، رسول، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه^(ع)، قم: انصاریان، ۱۳۸۱، چاپ ششم.

- حسینی دشتی، سید مصطفی، معارف و معاریف، قم: صدر، ۱۳۷۶.
- الحموی یاقوت، ابوعبدالله، معجم البلدان، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۰م.
- الحنفی قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، ینابیع الموده، قم: دار اسوه، ۱۴۱۶ق.
- الخویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة، قم: مرکز نشر الثقافه الاسلامیه، ۱۳۷۲.
- دفتری، فرهاد، تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: فرزانه، ۱۳۷۵.
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- دینوری ابوحنیفه، اخبار الطوال، ترجمه محمود مهدی دامغانی، تهران: نی، ۱۳۷۱، چاپ چهارم.
- الذهبی، شمس الدین محمد، تذکره الحفاظ، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- راغب اصفهانی، مفردات راغب، ترجمه غلامرضا خسروی حسینی، قم: موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت^(ع)، بی تا.
- الزبیدی، محمدحسین، الحیاه الاجتماعیه و الاقتصادیه فی الکوفه فی القرن الاول الهجري، بغداد: جامعه بغداد، ۱۹۷۰م.
- زرین کوب، عبدالحسین، تاریخ ایران بعد از اسلام، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۶، چاپ یازدهم.
- السبحانی، جعفر، بحوث فی الملل والنحل، قم: لجنة اداره الحوزه العلمیه قم المقدسه، ۱۴۱۰ق، الطبعة الثانية.
- السيوطی، عبد الرحمن بن أبي بكر، تدريب الراوی فی شرح تقريب النواوی، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۹ق.
- الشریف القرشی، باقر، حياه الامام الباقر^(ع)، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ق، چاپ دوم.
- شهرآشوب، محمدبن علی، مناقب آل ابی طالب، تصحیح رسولی محلاتی، قم: علامه، ۱۳۹۷ق، چاپ چهارم.
- الشهرستانی، ابی الفتح محمدبن عبد الکرم، کتاب الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، بیروت: دار المعرفه للطباعة و النشر، ۱۳۹۵ق.
- صدوق محمدبن علی (شیخ صدوق)؛ ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ترجمه محمدرضا انصاری محلاتی، قم: رضی، ۱۳۶۴.
- الصدوق، محمد بن محمد بن نعمان (شیخ صدوق)، کمال الدین و تمام النعمه، بیروت: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۹.
- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴، چاپ پنجم.
- الطبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تصحیح هاشم رسولی و فضل الله یزدی طباطبایی، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
- طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر، ۱۳۷۱، چاپ چهارم.
- الطبری، محمدبن جریر، الامم و الملوک (تاریخ الطبری)، بیروت: مؤسسه عزالدین، ۱۹۸۷م.
- طقوش، محمد سهیل، دولت امویان، ترجمه حجت الله جودکی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۱، چاپ ششم.
- العاملی، جعفرمرتضی، دراسات و حوث فی التاريخ و الاسلام، قم: جماعة المدرسين فی الحوزه العلمیه قم، موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۹ق.
- عبدالباقی محمد فواند، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکرم، بحاشیه المصحف الشریف، قاهره: دارالحديث، ۱۴۰۸ق.
- العلوی، حسن، شیعه و حکومت در عراق، ترجمه محمدنبی ابراهیمی، تهران: سوره مهر، ۱۳۷۶.
- عمادزاده، حسین، زندگانی معلم کبیر حضرت امام صادق^(ع)، تهران: گنجینه، ۱۳۶۲.
- قمی شیخ عباس، منتهی الآمال، تحقیق ناصر باقری بیدهندی، قم: دلیل، ۱۳۷۹.
- قمی، حسن بن محمد، تاریخ قم، ترجمه حسن بن علی قمی، تحقیق سید جلال الدین تهرانی، قم: توس، ۱۳۶۱.
- قمی، شیخ عباس، کلیات مفاتیح الجنان، ترجمه الهی قمشه ای، قم: همگرا، ۱۳۸۹.
- الکشی، محمدبن عمر، اختیار معرفة الرجال المعروف برجال الکشی، تلخیص محمد بن حسن طوسی، تصحیح حسن مصطفوی، مشهد: دانشگاه مشهد، مرکز تحقیقات و مطالعات، ۱۳۴۸ق.
- کلینی، محمد، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره‌ای، تهران: اسلامیه، ۱۳۶۲، چاپ چهارم.

- مجلسی، محمدباقر، **مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول**، تصحیح هاشم رسولی محلاتی، بیروت: دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۴ق، چاپ دوم.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار**، بیروت: بی‌نا، ۱۴۰۳ق، چاپ دوم.
- محری، غلامحسین، **تاریخ تشیع از پیدایش تا پایان غیبت صغری**، تهران: فصول، ۱۳۸۲.
- محمدجعفری، سید حسین، **تشیع در مسیر تاریخ**، ترجمه سید محمدتقی آیت اللهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳، چاپ هفتم.
- محمدی ری شهری، محمد، **دانشنامه امام مهدی (عج)**، ترجمه عبدالهادی مسعودی، قم: دارالحديث، ۱۳۹۳.
- مدیر شانه چی، کاظم، **علم الحديث و دراية الحديث**، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۲، چاپ سوم.
- مسعودی، علی بن حسین (ابوالحسن)، **مروج الذهب و معادن الجواهر**، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷، چاپ سوم.
- مشکور، محمدجواد، **فرهنگ فرق اسلامی**، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸.
- مشکینی اردبیلی، علی، **المصباح المنیر**، بی‌جا: دفتر الهادی، ۱۳۷۰.
- محمدبن محمد بن نعمان (شیخ مفید)، **الارشاد**، ترجمه محمد باقر ساعدی خراسانی، بیروت: اسلامی، ۱۳۷۶، چاپ سوم.
- مقدسی، مطهر بن طاهر، **آفرینش و تاریخ**، ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: آگه، ۱۳۷۴.
- المقریزی، نقی‌الدین ابوالعباس احمد بن علی، **المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار**، بیروت: دار الصادر، ۱۴۱۸ق.
- الموسوي، عباس علي، **في رحاب الصحيفة السجادية علي بن حسين (ع)**، بیروت: دار المرتضی، ۱۴۱۱ق.
- میرسلیم مصطفی و غلامعلی حدادعادل، **دانشنامه جهان اسلام**، تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی، ۱۳۷۸، چاپ دوم.
- النعمانی محمد بن ابراهیم بن جعفر، **کتاب الغیبه**، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۳ق.
- النوری، حسین، **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**، قم: مؤسسه آل‌البیته^(ع)، ۱۴۰۸ق.
- واسطی زبیدی، محب‌الدین سید محمد مرتضی، **تاج العروس من جواهر القاموس**، تصحیح علی شیری، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ق.
- یعقوبی احمد بن ابی یعقوب، **تاریخ یعقوبی**، قم: شریف رضی، ۱۳۷۳.